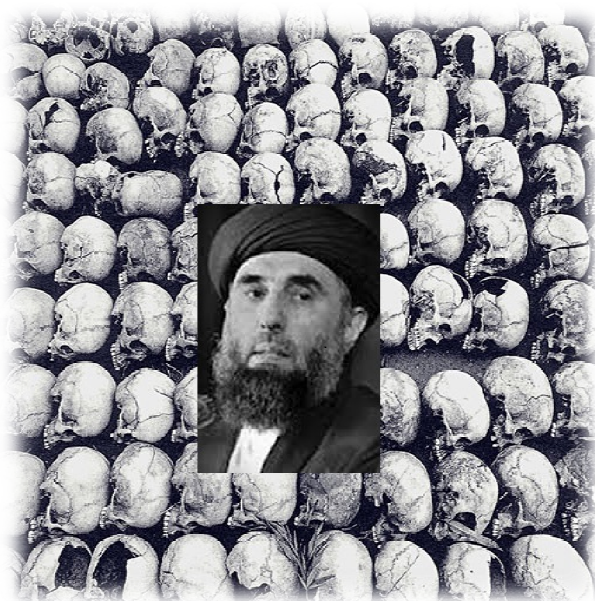


# گلبدين

کتاب جنایت و خیانت‌های ترآب بحرکافی نیست  
که سر انگشت تر کنیم و صفحه بشماریم

## (قسمت یکم)

### تروریست کیست، بجای مقدمه



در پی آشتی گلبدين حکمتيار بادولت مستعمراتی کابل، نام او از لیست سیاه سازمان ملل حذف شد. وبه این صورت آخرین موانع رسمی را از بازگشت او به کابل برداشتند. به تعقیب آن تهدید کردند که نام ملاهیت الله آخند زاده رهبر طالبان را در این لیست قرار میدهند. به اینقسم یکبار دیگر آن چیزی را که ما کمونیست‌های میگفتیم به اثبات رسید که "لیست سیاه" مانند "حقوق بشر"، "جنش مدنی" و "امثالهم یکی از سلاح‌های سرکوب جهانی امپریالیزم و ترندهای ابلیسانه سرمایه‌داری است. حذف نام گلبدين از این لیست به وضاحت نشان میدهد که تروریست، جنایتکار و غیره کسانی

رامیگویند که از مزدوری آنها سرپیچی و از او امرشان اطاعت نکنند. در حالیکه تصور عامیانه از معنی و مفاهیم این اصطلاحات کاملاً متفاوت میباشد. در سالهای 1996-1998 زمانی که آنها اصطلاح "تروریست" را برای مقاصد مدرن و تجاوزی امریکا ابداع میکردند، در سنای امریکا بحثی در جریان بود که این اصطلاح را به چه کسانی اطلاق کنند. برخی از سناتورهای امریکائی میگفتند که تروریست بودن نیازی به تعریف ندارد، هر کسی که ریش بلند دارد، کلاه سفید بر سر میکند و بجای کرتی و پطلون (،) پراهن و تنبان و یامانتوهای سفید و بلند را بر تن میکنند و اسلام را دیکال را به تبلیغ میگیرند، تروریست اند. این تقریباً همان تعریفی است که امروز در افغانستان نیز در ذهن مردم در مورد تروریست وجود دارد. یعنی تعریف عامیانه و خیابانی از تروریسم. برخی دیگر از سناتورهای امریکائی گفتند نه؛ این تعریف مکمل نیست؛ زیرا بسیاری از آنهایی را که مخالف ما هستند در بر نمیگیرد و فقط مشخص کننده مخالفین مادر شرق میانه و ممالک اسلامی هست نه در کل دنیا. اینها میگفتند که چریکهای مائویست در نیپال نه ریش دارند، نه پراهن تنبان میپوشند و نه اسلام را دیکال را تبلیغ میکنند ولی ما میخواهیم آنها را نیز تروریست بگوئیم. این بحث بعد از انفجار سفارت خانه های امریکا در سال 1998 در دارالسلام تانزانیا و نایروبی در کینیا اوج بیشتری گرفت و تعریف عامیانه و خیابانی تروریسم را بیشتر نهادینه ساخت. در اکتبر سال 2000 جنبش القاعده یکی از کشتی های جنگی امریکائی بنام یو.اس.کول را در بندر عدن در یمن مورد حمله قرار داد و 17 تن از خدمه کشتی را کشت. بحث نهادینه شده تعریف عامیانه تروریست را وزنه بیشتر بخشید. این تعریف با اینحال باز هم نمیتوانست یک برخورد طبقاتی

مشخص و ایدئولوژیک سرمایه‌داری به اینکه تروریست چه کسی هست، باشد. تا اینکه دونالد رامسفیلد و پاول ولفوویتز با تعریف سرمایه‌داری تروریسم آمدند و آنرا به دهن جرج بوش نهادند. جرج بوش اعلان کرد که تروریسم تعریف مشخصی ندارد و هر کسی را که مادر تروریست بگوئیم، تروریست هست. تعریف سنتی تروریست که بمعنی کشتن فرد قدرتمند بخاطر سرنگونی نظام حاکم، بود به این قسم از جانب "دانشمندی" مانند جرج بوش در یک شب تغییر کرد. و امروز تمام سیاست‌بازان، نویسنده‌های خادم به آنها و افراد چاپلوس و سطحی‌نگر، کسانی را تروریست می‌گویند که "امپریالیست‌های امریکائی و اروپائی" آنها تروریست می‌گویند. بطور مختصر؛ تروریستی مانند گلبدین و امثالهم زمانی که به نفع امپریالیست‌ها کار نکنند، آنها او را تروریست می‌گویند و نامش را در لیست سیاه شان می‌گنجانند، حساب‌های ملیونی بانکی شان را فلج می‌سازند و ارائی‌های بزرگ شان را در شرکت‌های تولیدی دنیا ردیابی و مورد تحریم قرار می‌دهند. و بمجردیکه آنها دوباره توبه کرده و از نو زده گردنکشی احمقانه شان را محکوم کردند، آنها را مورد عفو قرار می‌دهند و تمام جنایات هول‌انگیز آنها علیه مردم بی‌دفاع را می‌بخشند.

در اینگونه تصمیمات امپریالیست‌ها، خلق‌های ستم‌دیده کشورهایی که بیشتر از همه ستمگری و تعدی، جنایت و ویرانگری جنایتکارانی مانند گلبدین، سیاف، محقق، دوستم و امثالهم را تحمل کرده‌اند، زمینه عکس‌العمل و مخالفت نشان دادن را ندارند، زیرا؛ آنها از مجموع نمایندگان کشورهای متحد شان افراد سوگند خورده، امتحان پس داده و وفادارشان خیمه شب بازی ایرانام "شورای امنیت سازمان ملل" تشکیل داده و از آن به حیث سلاح مشروع سازی در اینگونه موارد استفاده می‌کنند.

اما چه کسی از افغانستانی‌های بالای سن چهل از یاد برده که این همان گلبدین است که سیدال سخندان در صحنه دانشگاه کابل بجرم دفاع از زحمتکش‌ان و افشای جنایات دستگاه سلطنتی به قتل رسانید. این



همان گلبدین است که باتوطئه آی-آی-ایس-آی پاکستان در سال 1355 طرح قتل علی احمد خرم وزیر پلان افغانستان را ریخت و عملی ساخت. این همان گلبدین است که از سال 1357 تا سال 1372 ده‌ها هزار انسان را بدلیل آنکه عضو "حزب اسلامی" نبودند، به قتل رسانید. این همان گلبدین است که

آدمکشان حزبش برزن و دختران جوان در روستاها و مسیر شاهراه هاتجاوز کردند. این همان گلبدین است که صد هاتن از ملیت‌های مختلف کشور را "بجرم" شعله‌ای بودن کشت و جوانان با سواد ملیت هزاره را از کمپ‌های مهاجرین در پشاور روبرو، دست‌ها و پاهایشان را بسته و در داخل بوجی با چند سیر سنگ انداخته در منطقه اتمک در دریا پرتاب می‌کرد. چه کسی نمیشناسد که این همان گلبدین است که برای دو سال و نیم بطور لاینقطع شهر کابل و به ویژه مناطق مسکونی تاجک و هزاره نشین را باراکت امریکائی و چینی به آتش بست و تمام خانه‌های اهالی بیگناه را بجرم تعلق داشتن به یک ملیت

غیر از ملیت خودش ویران نمود. بله، این همان گلبدین حکمتیار معروف است که به راحتی میتوان اورا "نرو"ی افغانستان نامید و در هر جامعه ای که از قید امپریالیزم رها بشد یک میلیون بار به اعدام محکوم میشود. او بعد از سقوط رژیم پوشالی نجیب الله بیشتر از 60 هزار مرد، زن و طفل را تنها در کابل به قتل رسانید. او بعد از آنکه سه سال شهر و روستای افغانستان را به آتش بست، به اشاره آی- ایس- آی بانزدیک



شدن طالبان به کابل، منطقه راتخلیه کرد و وظیفه شکنجه مردم شجاع کابل را به طالبان وا گذاشت. آری این گلبدین راهمه جهانیان می شناسند و دول قدرتمند غربی به ویژه اضلاع متحده امریکا، آلمان، فرانسه، انگلستان، کانادا، استرالیا و... و غیره اورا خوبتر از دیگران می شناسند. این جنایات و ده ها جنایات

دیگر او در آرشیف های اطلاعات این کشورها با تمام جزئیات شان موجود اند. چندی از اینها اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد هستند و حقوق و تودارند و اینها تمام امضا کنندگان بیانیه "حقوق بشر"، "کنوانسیون ژنیو" بوده و خود را به "پروتوکول نیویارک" متعهد می خوانند. چرا آنها بموقع برداشتن نام این یکی از بزرگترین جنایتکاران تاریخ افغانستان از لیست سیاهی که خودشان تهیه کرده بودند متفق الرائی تیرئه اش کردند؟ **پایان فصل یکم**

**آدرس مکاتبه با ما**

**Station H**

**Montreal Quebec**

**H3G 2K5**

**CANADA**

آدرس الکترونی ما

[Shoresh2008@gmail.com](mailto:Shoresh2008@gmail.com)

آدرس صفحه الکترونیک

[www.shoresh.eu](http://www.shoresh.eu)